

**نگاهی به چالش‌ها و موانع از سرگیری گفت‌وگوهای احیای برنامه جامع اقدام مشترک**

## برجام، سیاسی‌تر از همیشه

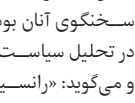
شرق: این روزها که واشنگتن بارها و به‌صراحت از عدم تمایل مذاکره با تهران بر سر احیای برجام می‌گوید، دولت سیزدهم بر طبل مذاکره می‌کوبد. این نگاه ایران و انکار آمریکا در بروجوه تحولاتی مانند ماجرای اعتراضات داخلی و نیز حساس‌تر شدن موضوع پهپادهای ایران تنها این گزاره را به ذهن متبادر می‌کند که تهران سعی دارد با یک نمای سیاسی ذیل از سرگیری مذاکرات احیای برجام بر فضای تحریمی و اجماع‌کشورهای غرب علیه خود تأثیر بگذارد.

صفحه ۲

## در «شرق» امروز می‌خوانید: در انتهای کوچه خوشبخت، گذری بر نیت‌مندی تغییر نام شهرک اکباتان، نسل Z چه کسانی هستند و چه ویژگی‌هایی دارند؟ و یادداشت‌هایی از رضا صدیق، فرزاد طباطبایی

## فرایند سوژه‌شدن سرمقاله

## فرایند سوژه‌شدن



احمد غلامی

سیاست از جایی آغاز می‌شود که توده‌ها از جانب خودشان سخن گفته و دست به انکار نظریه‌پردازانی می‌زند که تاکنون سخنگوی آنان بودند. این همان سیاست راستین است. ژرژک در تحلیل سیاست راستین به واکاوی آرای رانسیر می‌پردازد و می‌گوید: «رانسیر برای رهیافتن به حقایق مربوط به توده‌ها هرچه در توان دارد به کار می‌بندد تا آن سویه‌های سحرآمیز و لحظه‌های به‌غایت شاعرانه نهفته در فرایند خلق سوژه‌های سیاسی، یعنی روند سوژه‌مندشدن توده‌ها در عرصه سیاست را کشف کند و افق‌هایش را گسترش بخشد، فرایندی که در طی آن مطرودان جامعه (با همان طبقه فرودست) قدم پیش می‌گذارند تا خود حرف دل خویش را به زبان آورند، تا خود از جانب خویش سخن بگویند و بدین‌سان ادراک جهانیان را از چندوچون فضای اجتماعی دگرگون سازند، چندان‌که مطالبات‌شان در این فضا جایگاهی مشروع و قانونی بیابد.» سیاست راستین زمانی شکل می‌گیرد که توده‌های معترض قادر باشند نظرات خود را به دیگر طبقات جامعه تسری داده و مطالبات‌شان را مشروع و قانونی جلوه دهند. با تسری این مطالبات است که فضای اجتماعی دگرگون می‌شود و فرایند سوژه‌شدن در آغاز و انجام خود به پایان نمی‌رسد. سوژه‌های سیاسی در پی آن‌اند که صدای‌شان به گوش نخبگان جامعه برسد و به‌عنوان صدای قانونی در مباحثات و منازعات سیاسی مؤثر بوده و تغییر ایجاد کند. قصد سوژه‌های سیاسی در نمی‌توان به مطالبات ظاهری مانند تقاضای کار و درآمد بیشتر یا امتیازات اجتماعی فروگاست، اگرچه اینها نیز بخشی از مطالبات آنان باشد؛ اما آنچه انگارناپذیر است، این است که سوژه‌های سیاسی در ایران راه دشواری پیش‌رو دارند؛ چراکه تاریخ ایران پر از وقایع تلخی است که موجب انحراف سوژه‌های سیاسی شده است. به تغییر رانسیر، سیاست راستین متضمن نوعی اتصال یکباره و میان‌بر بین امر کلی و امر جزئی است؛ یعنی در حین بخشی از جامعه بودن، می‌توان صدای اکثریت بود منوط به اینکه اکثریت این بخش از جامعه را به رسمیت بشناسد. پیچ مهم جنبش‌های تاریخی در همین‌جاست. سوژه‌های سیاسی با شان و مرتبه‌ای که به دست آورده‌اند، بایستی اکثریتی را خلق کنند و اگر نتوانند این اکثریت را خلق یا در آن نفوذ کنند، سوژه‌شدگی‌شان از توان تهی می‌شود. در چنین وضعیتی سوژه‌های سیاسی برای تحمیل صدای خود به آحاد مردم، راهی جز تندری در برابر خشونت‌ورزان نخواهند داشت. صدایی که نتواند هژمونیک شود، ناگزیر به اتوریته روی می‌آورد، چیزی که کمال مطلوب خشونت‌ورزان بدون هژمونی است. اگر امر جزئی به نیابت از امر کلی قد علم می‌کند، به معنای دقیق کلمه باید امر کلی را نمایندگی کند، خاصه در جامعه ایران که اکنون اغلب نمایندگی‌های سیاسی آن غایب است. جریان «کهن‌سیاست»، هوادار زندگی جماعتی است و هنوز دلخوش به فضای سنتی است، فضایی که جای تنفسی باز نمی‌گذارد تا در آن رخداد سیاسی شکل بگیرد. از سوی دیگر «پیرا سیاست» نیز در ایران از کار افتاده است، منظور همان جریانی است که بر طبل انتخابات می‌کوبید و در پی ایجاد رخداد در قالب حزب و کارگزارانی از سوی مردم بود. جریان دیگر به تعبیر رانسیر، «فرا سیاست» یا همان «تاتار سیاست» است. تاتار، سایه‌ها که درصدد است مردم را اداره کند. باور رایج در جامعه این است که این جریان‌ها در سیاست ایران دیگر تمام شده است. این تصور در اکثریتی که ما در آن به سر می‌بریم، باورپذیر و منطقی جلوه می‌کند؛ اما نباید نادیده انگاشت که هیچ ایده سیاسی از بین نمی‌رود؛ بلکه سکوت و انزوا را تجربه می‌کند و در موعد مقرر چه بسا با توان بیشتر بازگردد. جهان سیاست مملو از احیای دوباره ایده‌های مطرود است، خاصه اگر ایده‌هایی باشد که در مطرودبودن آنها تردید وجود دارد. ژرژک به این تعبیر رانسیر، «بر سیاست» را نیز اضافه می‌کند: «بر سیاست زیرکانه‌ترین و ریشه‌ای‌ترین شکل انکار منطق سیاست راستین است؛ یعنی کوشش در راه حذف کامل ابعاد سیاسی کشمکش از طریق به افراط کشاندن آن با توسل به شبهه‌های تند در عرصه سیاست؛ امری سیاسی که بدین‌سان طرد شده و قدغن شده، در ساحت امر واقعی بازمی‌گردد و آن‌هم در جامه تلاش برای برون‌شدن از بن‌بست کشمکش سیاسی و کشودن اختلاف نظر، با توسل به تندروری دروغین یا رادیکال‌کردن کاذب آن، یعنی از طریق صورت‌بندی دوباره آن در قالب جدال بین ما و آنها که همان دشمن محسوب می‌شود، جدالی که در آن هیچ قسم زمینه مشترکی برای کشمکش نمادین در کار نیست». اینجا گرانیگاه جنبش‌های سیاسی و سوژه‌شدگی سیاسی است. جایی که پای سوژه‌های سیاسی ناگزیر به خشونت باز می‌شود و مقبول جلوه می‌کند. اینجا یکی دیگر از پیچ‌های مهم تاریخی است که تجربه شکست‌خورده آن در جنبش مشروطه پیش چشم ما است.

✦ برای نوشتن این یادداشت از کتاب «گزیده مقالات اسلاوی ژرژک» (نظریه، سیاست، دین، ترجمه مراد فرهادپور، مازیار اسلاوی و امید مهرگان، انتشارات کام نو استفاده شده است.



شنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۱ • ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ • ۵ نوامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۱۲ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

**آیا کشور همسایه شمالی برای جبران زیان نفت و گاز خود چشم به بازارهای ایران دوخته است؟**

# چالش نفت روسی

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید



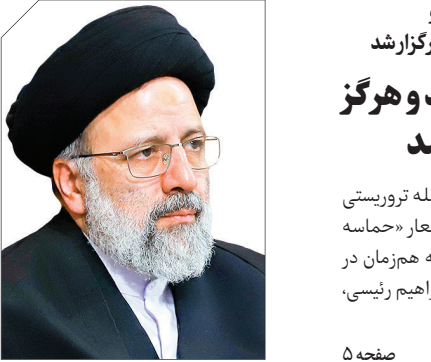
**مهدی تدینی در گفت‌وگو با «شرق» به عوامل تاریخی و اجتماعی اتفاقات این روزها پرداخت**

## چرا اینجا هستیم؟

**نسترن فرخه:** این روزهای پرالتهاپ، سؤال‌های بسیاری از علت بروز آن را به ذهن می‌رساند، سؤال‌هایی که جواب آنها شاید به فهم نسبتاً عمیق تاریخی و اجتماعی نیاز داشته باشند. مهدی تدینی، مترجم و پژوهشگر در حوزه تاریخ و اندیشه سیاسی در گفت‌وگویی که با «شرق» داشت، به ابعاد مختلف بروز اتفاقات این روزهای جامعه و نشانه‌های قابل لمس آن اشاره می‌کند.

اینکه چطور این‌بچه‌ها در این سن کم وارد یک جریان اجتماعی - سیاسی پیچیده شده‌اند، طبیعی است که موضوعی سؤال‌برانگیز است، مگر یک دانش‌آموز مقطع دبیرستان چقدر اطلاعات سیاسی دارد که به این شکل وسط یک ماجرا بیاید...

این گفت‌وگو را در صفحه ۱۱ بخوانید



رئییسی خطاب به بایدن در راهپیمایی ۱۳آبان و گرامیداشت روز دانش آموز که در سراسر کشور برگزار شد

## ایران ۴۳ سال پیش آزاد شد و هرگز به اسارت شما در نخواهد آمد

## حذف شوراهای شهرهای بزرگ از روند انتخاب شهردار



## برای بهمن، برای علی اصغر

**بررسی ضرورت قانون‌مندشدن واخواهی مدنی با تعیین مکانی برای اعتراض در گفت‌وگو با نمایندگان مجلس**

## تجمع آزاد در انتظار دولت

**مجلس منتظر است تا دولت لایحه خود را در باره اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی ارائه کند و حتماً مورد پیگیری سریع قرامی می‌گیرد**

## یادداشت

## نخبگان می‌روند یا می‌آیند؟



اواسط هفته گذشته، سخنگوی محترم دولت، موضوعی را بیان کردند که برای من بشخصه بسیار مهم بوده و هست. موضوعی که بارها در یادداشت‌های مختلف درباره آن نوشته‌ام که آخرین مربوط به یک هفته قبل از شروع ناآرامی‌های اخیر در همین ستون بود. جناب آقای بهادری‌چهرمی، سخنگوی دولت از این گفته‌اند که «در پنج سال گذشته کشور، فقط بیش از دوهزار و ۷۰۰ نخبه به کشور بازگشتند و موجی از بازگشت را داشتیم و در سال اول فعالیت دولت جدید این موج هم بیشتر شده است». از آنجایی که جناب آقای چهرمی معلوم نکرده‌اند که منظورشان از بازگشت نخبگان چه کسانی هستند، گمان می‌کنم لازم باشد ابتدا برای خودمان معلوم کنیم که این نخبگان مورد نظر ایشان کیستند. در کشور ما، مراکز آموزشی که به پرورش افراد مبادرت می‌کنند؛ دو دسته‌اند. یک دسته، مراکز سنتی آموزش‌اند که حوزه‌های علمیه را شامل می‌شود و دسته دیگر مراکز مدرن هستند که دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی آن را نمایندگی می‌کنند. در همه سال‌هایی که بحث مهاجرت و خروج نخبگان از کشور مطرح بوده و درباره آن هشدار داده شده، تا آنجا که دیده‌ام، صحبتی از خروج نخبگانی که در حوزه‌های علمیه آموزش دیده‌اند، محل بحث نبوده است، بنابراین با اینکه سخنگوی محترم اشاره نکرده‌اند که منظورشان بازگشت کدام نخبگان است، می‌توان تصور کرد که نخبگان پرورش‌یافته در حوزه‌های علمیه مدنظر ایشان نبوده است. پس ژرژبی‌راه نیست که نتیجه بگیریم منظور ایشان از نخبگان، پرورش‌یافتگان مراکز دانشگاهی است.

سه سال پیش یادداشتی داشتم با عنوان «اگر فرمان کنده شود» و در آن به استناد آمار منابع رسمی نوشته بودم «هزینه آموزش یک متخصص در ایران از دوره ابتدایی تا انتها، یک میلیون دلار می‌شود و سالانه ۴۰ هزار نفر از اینان از کشور می‌روند» و نتیجه گرفته بودم که حاصل تقدیم این متخصصان به کشورهای دیگر، ۴۰ میلیارد دلار در سال است که وقتی تحریم همه‌جانبه کشور و تکنگاهای ورود هر دلار به کشور را در نظر بگیریم، حکایت از یک فاجعه ملی دارد. هم در آن مطلب و هم در بسیاری از مطالب قبیل و بعد از آن، از این نوشتم که گویا این سیل مهاجرت و تقدیم این همه از سرمایه مادی و انسانی به دیگران، برای تصمیم‌گیران کشور اهمیت چندانی ندارد، چراکه با وجود هشدار بسیاری از دلسوزان، نه‌تنها از حجم آن کم نشده؛ که آمارهای رسمی، حکایت از افزون‌شدن آن دارد. این ماجرا ادامه داشت تا گفته‌های کنونی سخنگوی دولت. من هیچ دلیلی ندارم که در این سخنخان شک کنم و حتی این گزارش رسمی را که مدتی پیش منتشر شد که از مهاجرت نگران‌کننده کادر درمان کشور صحبت می‌کرد هم نادیده می‌گیرم و فرض می‌کنم که آنچه ایشان گفته‌اند، دقیق و درست است.

**ادامه در صفحه ۵**



**روزهای ناخوشایند گیشه‌های سینما به دلیل تب و تاب اقتصادی و گریز تهیه‌کننده‌ها از اکران فیلم**

## دخل نابرابر با خرج سینما

«امروز در سینما با رکود جدی مواجهیم، این رکود به نظم معلول متعددی همچون کم‌کاری و انفعال سینماگران در تولید آثار خلاقانه و پرخطاب و توأمان فشار اقتصادی در جامعه است. در این موقعیت متأسفانه سینما جزء، اولین کالاهایی است که از سبد خانوار حذف می‌شود. اگر یکی از مهم‌ترین ارکان ماندگاری و تأثیرگذاری گسترده فیلم سینمایی را در ارتباط آن با مخاطب بدانیم، وقتی این حلقه و عامل مهم به هر دلیل مفقود شود و آثار از سوی مخاطب ندیده گرفته شوند، حاصل می‌شود رکود متسلسل! و این یعنی زنگ خطری جدی برای همه متولیان سینما از سینماگر تا سیاست‌گذار و مجری و تصمیم‌گیر؛ چرا می‌گویم رکود بی‌دریی؟

چون حیات سینما به زلف مخاطب گره خورده و این یعنی بازخوردهای حاصل از یک رفت و برگشت در جامعه تکلیف سینما را مشخص می‌کند، این بازخوردهاست که مانند دومینو سایر قطعات این منظومه سینمایی را به حرکت درمی‌آورد، گاه به سمت ایستایی و سکون می‌برد و گاه با سرعت فرایندهای اسباب تولید مضاعف را پدید می‌آورد.

این گزارش را در صفحه ۱۱ بخوانید

### یادداشت

## هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد



سیدجواد هادیان طباطبائی زواره

گراف نیست اگر بگویم ریشه بسیاری از سوءتفاهم‌ها و برداشت‌های ناصواب و دوقطبی‌های تفرقه‌افکن و بحران‌های اجتماعی در این سال‌ها ناشی از ناباب و نابجا سخن‌گفتن برخی از سیاست‌مداران هیجان‌زده، صاحب‌منصبان خطیبان، مداحان، سخنگویان و حامیان طرفداران آنهاست؛ وقتی به عواقب سخنان خویش آگاهی ندارند یا با توهین به شخصیت‌های سیاسی دانشگاهی، فرهنگی و هنری درصدد تحریک گروهی از مردم برمی‌آیند، سخنانی که بوی توهین و تحقیر، هشدار و زهرچشم و حتی تهدید و انتقام می‌داد. آنجا که مردم را خس و خاشاک نامیدند و راه توهین و تحقیر را باز کردند، آنجا که گفتند: «آن ... را لولو بُرد» و بی‌ادبی را رایج کردند، آنجا که خود را در هاله نور دیدند و باورهای قدسی را به داستان‌های عوامانه و خرافی تقلیل دادند، آنجا که سخنانی زمینه‌ساز ریختن اسید به چهره دختران بی‌گناه اصفهانی و گازفلفل به چشمان

### خبر

## بیانیه وزارت خارجه درباره برگزاری نشست غیررسمی شورای امنیت علیه ایران

وزارت امور خارجه درباره برگزاری نشست غیررسمی شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران به درخواست آمریکا و آلبانی بیانیه‌ای صادر کرد. جمهوری اسلامی ایران برگزاری نشست غیررسمی شورای امنیت سازمان ملل متحد با ادعای بررسی حوادث اخیر در ایران را که به درخواست آمریکا و آلبانی به‌عنوان اعضای شورای مزبور، روز چهارشنبه ۱۱ آبان‌ماه جاری در مقر سازمان ملل در نیویورک برگزار شد، مصداق بارزی از سوءاستفاده دولت آمریکا از سازوکارهای بین‌المللی برای اغراض غیرقانونی و مداخله‌جویانه خود در امور داخلی کشورهای مستقل می‌داند. در این نشست که با استقبال چندانی از

سوی کشورهای عضو سازمان ملل مواجه نشد، تنها سفرای آمریکا و آلبانی در سطح سفیر حضور داشتند. بااین‌حال، آمریکا با شیوه‌ای غیرمتمدنانه و غیردموکراتیک و برخلاف روال متعارف به غیر از خود و چند مدعو معلوم‌الحال و چند کشور هم‌پیمان‌اش، اجازه سخنرانی به هیچ فرد یا کشور دیگر غیر عضو شورای امنیت را نداد؛ اقدام نماینده آمریکا در این جلسه در ممانعت از سخنرانی و قرائت بیانیه نماینده ۱۹ کشور عضو گروه موسوم به دوستان منشور ملل متحد، در حمایت از جمهوری اسلامی ایران، نشان داد دولت آمریکا حتی در سازمان ملل متحد نیز از دیکتاتوری رسانه‌ای علیه دولت‌های مستقل این کشور برای ایجاد بی‌ثباتی در ایران را قویا محکوم می‌کند.